

گاه‌شمار فکری جان هیک (۱۹۲۲-۲۰۱۲)

makhavan.ir

مهدی اخوان makhavan77@gmail.com

- ۱۹۲۲- تولد در اسکاربورو در ایالت یورکشایر انگلستان.
شرکت در برنامه مذهبی هفتگی و داشتن احساس دینی.
- ۱۹۳۹ - (۱۷ سالگی) مطالعه آثار نیچه، لایبنیتس، میل، شوپنهاور، وایتهد، فروید، راسل و ...
- ۱۹۴۰ - (۱۸ سالگی) مطالعه کتابی مربوط به سنت حکمت الهی شرقی (Theosophy) آمیزه‌ای از آموزه‌های هندوئی و بودائی است.
- شروع تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه شهر هال (Hull).
- مطالعه جدی انجیل و آشنایی با دانشجویان بنیادگرای مذهبی (از سرگذراندن یک تجربه معنوی در اتوبوس که تأثیر بسیاری بر او نهاد).
- طلبی او را به سمت مسیحیت و ایمان می‌کشاند اما نمی‌تواند جزئیات مسیحی را بپذیرد (ردای کلیسای پرستیری روحانی پروتستان بر تن می‌کند و قصد تحصیل علوم دینی می‌کند).
- ۱۹۴۲ - تحصیل در دانشگاه ادینبورو
- آشنایی با کمپ اسمیت (متخصص فلسفه کانت)
- شروع جنگ جهانی دوم و قطع تحصیل و رفتن به خدمت سربازی و خدمت در واحدهای پزشکی و درمانی
- ۱۹۵۰ - بازگشت به ادینبورو برای ادامه تحصیلات در فلسفه
- ارتباط با فرقه‌های انجیلی مسیحی
- اتمام تز دکتری با راهنمایی پرایس (فیلسوف تحلیلی) با عنوان "نسبت بین ایمان و باور" که بعد مایه یکی از مهمترین کتابهای او شد.
- رفتن به کالج کلامی کشیشان کمبریج
۱۹۵۳ - اقامت در شهر بلفورد (شمال انگلستان)
- خدمت در لباس کشیشی کلیسای پرستیری
- ۱۹۵۶ - شروع تدریس به دعوت دانشگاه گرنل تا ۱۹۵۹ (مرکز ویتگنشتاین پژوهانی قوی چون ماکس بلک و نورمن مالکم).
- ۱۹۵۷ - انتشار کتاب "ایمان و معرفت" (Faith and Knowledge)
- ۱۹۵۹ - حضور در کرسی فلسفه مسیحی دانشگاه پرینستون و تمرکز بر سه مسئله: استدلال‌های کلاسیک اثبات خدا، دفاع از معناداری زبان دینی و پاسخ خاص مسئله شر.
- ۱۹۶۰-۱ - بازاندیشی در باب بسیاری از جزمیات مسیحی (ربطی به ایمان ندارند)
- لادری‌گری نسبت به تولد عیسی از باکره
- طغیان بنیادگرایان کلیسای مشایخی علیه او
- ۱۹۶۲ - تشکیل شورای قضایی علیه او و عزل او از مقام کشیشی
- ۱۹۶۳ - بازگشت به کمبریج
- انتشار ویرایش نخست کتاب "فلسفه دین"
- ۱۹۶۴ - ویراستاری کتاب "متون کلاسیک و معاصر در فلسفه دین"
- ۱۹۶۶ - انتشار کتاب "شرّ و خدای عشق" (Evil and God of Love)
- طرح دیدگاه ایرنائوسی در باب شرّ با عنوان "روح پروری"
- آغاز فاصله گرفتن از راست‌اندیشی مسیحی

- ۱۹۶۷ - انتصاب در کرسی الاهیات دانشگاه بیرمنگام تا سال ۱۹۸۲ و زندگی با جامعه چند دینی آنجا
- پایه‌گذاری جلساتی برای بحث‌ها و ارائه مقاله آزاد
- ریاست نهاد AFFOR (همه ادیان برای نژاد انسانی)
- ۱۹۶۸ - انتشار کتاب **”مسیحیت در مرکز“** (Christianity at the Center)
- ۱۹۷۰ - آغاز طرح دیدگاه‌های کثرت‌گرایانه در قالب کنفرانس‌ها، سخنرانی و مقالات. (مثل کنفرانس حقیقت و گفتگو)
- ۱۹۷۳ - انتشار کتاب **”خدا و جهان ادیان“** (God and the Universe of Faiths)
- طرح ایده انقلاب کپرنیکی در الاهیات
- ۱۹۷۶ - انتشار کتاب **”مرگ و حیات ابدی“** (Death and Eternal Life) محصول شش سال مطالعه و تدریس با تشریح دیدگاه ادیان شرقی در باب مرگ
- سفر به هند، سریلانکا و پنجاب و آشنایی با آموزه‌های ادیان شرقی
- ۱۹۷۷ - ویراستاری کتاب مناقشه برانگیز **”اسطوره‌ی خدای متجسد“** (The Myth of God Incarnate) (مجموعه مقالاتی از محققین مسیحی) شامل سه فقره عمده: عیسی تعلیم نداده است که به هر معنی خدای متجسد است، امکان ندارد قبل از شورای نیکیه و کالسدوان (قرن ۴ و ۵ م) اثری از آموزه حلول باشد و زبان حلول الهی استعاری است تا حقیقی (مربوط به هیک)
- ۱۹۸۲ - سفر مجدد به آمریکا و استادی مدرسه کلرمنت کالیفرنیا (تا سال ۱۹۹۲ و بازنشستگی) (جذابیت جامعه پرتنوع فرهنگی دینی کالیفرنیا برای هیک)
- حضور اندیشمند بودایی ماساواآبه و متکلم و فیلسوف مسیحی جان کاب.
- برگزاری کنفرانس‌های متعدد به عنوان مدیر برنامه‌هایی درباره ادیان فرهنگ‌های جهان.
- ۱۹۸۵ - انتشار کتاب **”سه دین، یک خدا“**
- ۱۹۸۶ - انتشار کتاب **”مسائل کثرت‌گرایی دینی“**
- ۱۹۸۶-۷ - سخنرانی‌های گیفورد (که محصول آنها در کتاب **”تفسیری از دین“** منتشر شد)
- ۱۹۸۹ - انتشار کتاب **”تفسیری از دین“** (An Interpretation of Religion) جامع‌ترین و مهم‌ترین و اصلی‌ترین کتاب هیک، برنده جایزه بهترین کتاب دینی گرومیر در سال ۱۹۹۱.
- ۱۹۹۲ - بازنشستگی، بازگشت به بیرمنگام و عضو مؤسسه تحقیقات پیشرفت علوم انسانی دانشگاه بیرمنگام
- ۱۹۹۳ - انتشار کتاب **”استعاره خدای متجسد“** (The Metaphor of God Incarnate)
- ۱۹۹۵ - انتشار کتاب **”رنگین کمان ادیان“** (Rainbow of Faiths) (عنوان نشر در انگلستان) **”الاهیات مسیحی ناظر به ادیان“** (عنوان نشر در آمریکا)
- ۱۹۹۹ - انتشار **”بعد پنجم؛ کاوشی در قلمرو معنوی“** (Fifth Dimension)
- ۲۰۰۱ - انتشار **”گفتگوهای در فلسفه دین“** (حاوی پاسخ‌های دسته‌بندی شده او به نقدهای ناظر به نظریه کثرت‌گرایی دینی)
- ۲۰۰۴ - چاپ دوم کتاب **”تفسیری از دین“** با افزودن مقدمه‌ای ۲۵ صفحه‌ای حاوی پاسخ به منتقدان.
- ۲۰۰۵ - (اسفند ۱۳۸۳) سفر به ایران، سخنرانی در دانشگاه تربیت مدرس - پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی - مرکز گفتگوی ادیان.
- ۲۰۰۶ - انتشار کتاب **”مرزهای نوین دین و علم“**
- ۲۰۰۸ - انتشار کتاب **”خدا کیست یا چیست؟“** (Who or What God?) (یکی از مقالات آن **”مسیحیت و اسلام“** از سخنرانی‌های او در سفر به ایران در سال ۲۰۰۵ است. در مقدمه هم گزارشی از سفر به ایران را آورده است.
- ۲۰۱۰ - انتشار کتاب **”میان ایمان و شک“**
- ۲۰۱۲ - مرگ

منبع: (زندگی‌نامه مختصر جان هیک)؛ سید امیر اکرمی، مهرنامه شماره ۲۱-براساس کتاب زندگی‌نامه خودنوشت هیک آثار هیک به ۱۶ زبان ترجمه شده است.

”وقتی پرسش بنیادین چالش برانگیز نیچه را از خود می پرسیم که آیا حاضری دوباره چنان زندگی کنی که تاکنون با همه لحظات خوب و بد آن زندگی کرده‌ای؟ پاسخ من مثبت است. اما به عنوان بخشی از فلسفه جامع دینی معتقدم این زندگی کل وجود ما نیست بلکه پاره‌ای مهم (پاره‌ای که اکنون برایمان مهم است) از یک فرایند عظیم‌تر و طولانی‌تر است که اگر این حیات دنیوی را در پرتو آن فرایند ببینیم ارزش بیشتری خواهد داشت.“

پیام هیک به جشن فارغ التحصیلی دانشجویان دانشگاه بیرمنگام در سال ۲۰۱۱

ریاست دانشگاه، دانش‌آموختگان و میهمانان

اول تبریک به همه شما دانش‌آموختگان که پس از سه سال کار سخت فارغ التحصیل می‌شوید و به تعبیری به جهان واقعی پا می‌گذارید! مایلم که به شما پندی تقدیم کنم. آن پند این است: جهانی بیاندیشید. ما فقط عضوی از این جزیره [انگلستان] نیستیم. ما شهروندان جهانی هستیم با حدود ۷ میلیارد جمعیت. وقتی ما کار می‌کنیم که معمولاً از سنخ نوشتن است نباید فقط به کشور خودمان فکر کنیم؛ باید به تأثیرت کارمان بر بخش‌های فقیر جهان نیز فکر کنیم؛ به خانواده‌هایی که از بلایای طبیعی عظیم مثل خشکسالی و قحطی رنج می‌برند نیز فکر کنیم. خلاصه اینکه ما عضوی از یک نژاد انسانی هستیم [بنی آدم اعضای یکدیگرند] و نه فقط شهروندان این مملکت.

حالا علاقه ویژه من به عنوان یک فیلسوف دین، اندیشیدن جهانی درباره دین است. بیرمنگام شهر خیلی خاصی است، چون محل ملاقات مسیحیان، یهودیان، مسلمان، سیک‌ها، هندوها و بودیست‌ها است. یک بار بخشی از کار من به عنوان عضوی از ”انجمن روابط بیرمنگام“ این بود که از عبادتگاه‌های مختلف بیرمنگام بازدید کنم. اگر شما به یک معبد هندو در بیرمنگام بروید، محوطه، نورها، بوها، صداها همه چیز آن، شما را به یاد هندوستان می‌اندازد. می‌توانید تصور کنید که در هند هستید. اگر شما به یک مسجد مسلمین بروید صداها نفر را و اگر نماز جمعه باشد هزاران نفر را می‌بینید که عبادت می‌کنند. اگر به یک کنیسه بروید می‌بینید که کنیسه به کلیسای مسیحی (نسبت به بقیه عبادتگاهها) شبیه‌تر است با این تفاوت که شما را به یاد سده‌هایی می‌اندازد که میان خدا و مردمان عبری ارتباط دوجانبه‌ای بود. تفاوتها چنان که می‌بینید خیلی زیاد است. اما اینها ظاهر قضیه است. اگر به عمق بروید شباهتی ژرف را خواهید دید. انسان‌ها در تمام این ادیان و سنت‌های توسعه‌یافته دور هم جمع می‌شوند، ذهن‌های خود را باز می‌کنند و این حقیقت را می‌پذیرند که باید با دیگران طوری رفتار کنند که دوست دارند با خودشان رفتار شود. این همان قانون طلایی است. پس در دین هم جهانی بیاندیشید. پیروز باشید.